

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

جلسه ۹۱ دعای ۲۰ (مکارم الاخلاق)

جلسه ۳۶۱ شرح دعای صحیفه سجادیه

۱۴۰۲/۰۸/۰۱

- جامعیت تقوا در محیط زیست مؤمنانه
- پسندم آنچه را جانان پسندد
- «تقوا» یعنی خویشتن‌داری، خودنگهداری، خودحفاظتی
- هنر فرزند آدم تقواست
- تقوا، بهترین توشه برای آخرت
- زرنگی در این عالم به تقواست
- تقوا از منظر قرآن کریم
- جلوه‌های تقوا
- غزه؛ صدای مقاومت و مظلومیت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَرَبِّهِمْ

و امیدواریم از فرخندگی این میلاد و از نورانیت و هیبت این مولود ان شاءالله اسباب هزیمت بیشتر و نهایی دشمنان اسلام مخصوصاً صهیونیزم تبه‌کار و پشتیبانش، آمریکای جهانخوار و دیگران ان شاءالله فراهم بشود. به شما عزیزان هم تبریک می‌گوییم و از این که خداوند تبارک و تعالی این جلسه ما را در یک چنین مناسبت بسیار خوب و فرخنده‌ای قرار دادند، خدای متعال را سپاسگزاریم. بحث ما در محیط پرنور صحیفه مبارکه سجادیه و در سیر مکارم الاخلاق بود. رسیدیم به یک قطعه خاصی از این دعا که بحث شیرین تقوا بود. ملاحظه کردید امام (علیه‌السلام) فرمود: «وَأَنْطَقْنِي بِالْهُدَى، وَ أَلْهِمْنِي التَّقْوَى...»^۱ مسئله تقواست. این جا امام (علیه‌السلام) تقوا را از خداوند متعال

سالروز ولادت فرخنده مولایمان امام حضرت امام حسن عسگری (علیه‌الصلوة والسلام) را به محضر فرزند ارجمندشان حضرت حجة‌بن‌الحسن (علی‌ها‌السلام و عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) و به همه ارادتمندان آن حضرت و همه منتظران قدوم مبارک آن حضرت به ویژه رهبر عزیز و عالی‌قدرمان تبریک عرض می‌کنیم. امیدواریم خداوند تبارک و تعالی به میمنت و مبارکی این میلاد فرخنده، اسباب عزت و عظمت بیشتر مؤمنان، مسلمانان، مجاهدان، عزیزانی که در خط مقدم دفاع از حیثیت اسلام در برابر کفر قرار دارند، مظلومان فلسطین و غزه را ان شاءالله فراهم کند. امیدواریم فتح و پیروزی را خدای متعال روزی‌شان کند

۱ فرازی از دعای بیستم صحیفه

سجادیه

می‌خواهد. با چه خواستنی؟
 خواستن الهامی که خدایا تقوا
 را به من الهام کن «التقوی،
 الهمنی التقوی، التقوی»،
 یعنی تقوا را در همه مراتبش،
 در همه وجوهش، در همه
 جلوه‌هایش به من الهام کن.

جامعیت تقوا در محیط زیست مؤنانه

جلسه گذشته ما در منظومه
 معارف قرآنی سعی کردیم
 توضیح بدهیم که تقوا چه
 جایگاهی دارد. در یک کلمه
 معلوم شد همه چیز تقوا است،
 اگر کسی به تقوا برسد به
 همه سعادت‌ها و خوشبختی‌ها
 رسیده است. آن کلمه جامع
 در محیط زیست مؤنانه تقوا
 است. در روایات هست که
 تقوا از ایمان بالاتر است. ایمان
 از اسلام بالاتر است ولی تقوا
 از ایمان برتر است، یعنی آن
 جای است که ایمان به صحنه

«كذلك الله ربی، كذلك الله
 ربنا». قدرت مطلق، علم مطلق،
 حکمت مطلق، رحمت مطلق،
 حاکم علی الاطلاق، این خدای
 ما است. اگر کسی به چنین
 خدایی ایمان داشته باشد، یعنی
 به قلبش رسیده باشد، چون
 «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ
 تُؤْمِنُوا»^۲ این‌ها می‌گفتند ما
 ایمان آوردیم، خطاب رسیده به
 آن‌ها بگو شما ایمان نیاوردید.
 «وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا»^۳ بگویند
 فعلاً ما مسلمان شدیم، «وَلَمَّا

۲ آیه ۱۴ سوره مبارکه حجرات
 همان

که حکیم علی الاطلاق است، رابطه‌اش با فرامین او، اوامر او، نواهی او که اسمش مجموعاً می‌شود دین، چگونه است؟ اگر کسی به خدایی ایمان آورده که چه در رحمانیت، چه در رحیمیت مهر مطلق است، رحمت مطلق است، خب رابطه‌اش با یک چنین خدایی چگونه است؟ اگر کسی ایمان آورد به خداوندی که علاوه بر این که رحمت مطلق است، در مقام عقوبت، در مقام حسابرسی اشد المعاقین است، اسرع الحاسبین است، آن است که حسابش هم خیلی حساب خاصی است، با یک چنین خدایی چگونه رفتار خواهد کرد؟ اگر بخواهیم بگوییم تقوا یعنی چی؟ تقوا در یک کلمه این می‌شود، یعنی می‌شود ایمان به خدای متعال با این خصوصیتی که عرض کردم، این بیاید در زندگی ما، در اندیشه ما، در اخلاق ما، در عمل ما جاری

يَدْخُلُ الْإِيمَانَ فِي قُلُوبِكُمْ؛^۴ هنوز ایمان به قلب شما نرسیده، ایمان برای قلب است که برسد به قلب انسان. یعنی باور نسبت به خدای متعال. خب اگر شما گفتید که من ایمان دارم به خدای قادر و قدير، آن هم قدرت مطلق، رابطه ما با چنین خداوندی چگونه تعریف می‌شود؟ اگر شما گفتید من ایمان دارم به خدایی که عالم مطلق است، علیم علی الاطلاق است، خبیر است، هیچ چیزی از نگاهش مخفی نیست، سرّ ما، ضمیر ما «يَعْلَمُ السِّرَّ وَ اَخْفَى»^۵ همه را می‌بیند، شاهد است، گواه است، تمام وجود ما در محضر اوست، تمام عالم در حضور اوست. اگر کسی به چنین خدایی ایمان داشته باشد رابطه‌اش با خدایی با این خصوصیت چگونه باید باشد؟ اگر کسی ایمان آورد به خدایی

۴ همان

۵ آیه ۷ سوره مبارکه طه

قرار گرفت این می‌شود تقوا.

پسندم آنچه را جانان پسندد

تازه یک معنای خیلی روشن از تقوا این است. ما با دیگران چگونه معاشرت کنیم؟ خب من این جا کی هستم؟ من عبد هستم، فقیر مطلق، کلی وجود من هم از اوست، «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^۸ می‌گویند تو کی هستی؟ شناسنامه‌ها چیست؟ این شناسنامه‌هایی که ما داریم، این‌ها همه‌اش شوخی است، این‌ها که برای زندگی این جهانی خوب است، یا این زیست‌نامه‌ای که فراهم می‌کنیم من کی هستم، پسر کی هستم، پدرم کیست، مادرم کیست، کجا متولد شدم، تحصیلاتم چگونه است، مدرک تحصیلی‌ام چیست، سوابق کاری‌ام چیست؟ یک چنین چیزهایی درست می‌کنند، بعضی‌ها هم

بشود، این می‌شود تقوا. اصلاً تقوا یعنی همین. تقوا یعنی به ایمان تحقق عینی ببخشیم.

اگر من به چنین خدایی ایمان دارم آن وقت چگونه باید زندگی کنم؟ آن چگونه زندگی کردن می‌شود تقوا. چگونه حرف بزنم؟ دیگر هر حرفی را نمی‌توانم بزنم، آن گونه سخن می‌گویم که او می‌پسندد، این می‌شود تقوای کلامی. آن گونه نگاه می‌کنم که او می‌پسندد، این می‌شود تقوای نگاه. آن گونه قضاوت می‌کنم که او می‌پسندد، دیگر هر جور دلم بخواهد قضاوت نمی‌کنم، این می‌شود تقوا. فرمود: «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى»^۶، «قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»^۷ این است. سخن، دیدن، شنیدن، قضاوت، حتی بالاتر از این‌ها، خیال، وهم، وقتی همه این‌ها به قاعده ایمان

۶ آیه ۸ سوره مبارکه مائده

۷ آیه ۷۰ سوره مبارکه احزاب

۸ آیه ۱۵۶ سوره مبارکه بقره

مهم این است که شما رابطات با خدای متعال چگونه است.، آن اصل مسئله است، اسم آن بندگی است. من هیچ بن هیچ بن هیچ، به قول آن دوست‌مان صفر بن صفر بن صفر، یعنی فقر مطلق، ندای مطلق. می‌گویند اگر می‌خواهی بینی چیست اولش را بین، آخرش را هم بین، چیزی نیست. این اگر خواست هویت پیدا کند به نظر شما هویتش چیست؟ یک کلمه بیشتر نیست؛ عبد، بنده. بنده کی؟ بنده قدرت مطلق، بنده عظمت مطلق، بنده علم مطلق، بنده حکمت مطلق، بنده عدل مطلق، بنده رحمت مطلق، بنده زیبایی مطلق، بنده او. خب اگر شدی بنده او و هویت شما این است، این هویت بندگی چه می‌گوید؟ می‌گوید من دیگر از خودم اختیاری ندارم، ولو او برای آزمایش من به من اختیار داده است. گفته

این را انباشت می‌کنند گاهی به یک مناسبت‌هایی برای ما می‌فرستند، هرچه این گوشه کنار هست می‌گذارند یک چیز خیلی پروپیمانی می‌آورند که آقا من یک چنین کسی هستم. تمام این‌ها یک چیز ظاهری است، برای همین معادلات زندگی ظاهری است. «إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا...»^۹ این‌ها برای این است که شما همدیگر را بشناسید و روابطتان را بتوانیم به لحاظ زیست‌دنیایی تنظیم کنید، همین مقدار خوب است و بعد بتوانید براساس این ان شاءالله یک زندگی خوبی را در محیط زیست اجتماعی برای خودتان فراهم کنید. اما این که کاری از آن ساخته نیست. فرمود: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»^{۱۰}

۹ آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات
۱۰ آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^{۱۳}
 همین را شما بگیرید. حالا اگر
 این چند روز که به شما یک
 فرصت داده و برای امتحان تو
 یک اختیار هم به تو داده، خیلی
 خوب مثل همه امانت‌هایی که
 به تو داده یک امانت هم به
 تو داده، آن امانت انتخاب است،
 اختیار است که تو خودت
 تصمیم بگیری، یک چند روز
 این وسط به تو اختیار داده
 که البته میدان تصمیم‌گیری‌ات
 هم خیلی وسیع نیست، خیلی
 جاهای آن نه، ولی یک فصلی
 دارد که می‌توانی آن‌جا تصمیم
 بگیری. آن بخشی که تو اختیار
 داری و امکان تصمیم‌گیری
 برای تو وجود دارد حالا تو
 بگویی که من هستم و من
 هستم و من هستم و من، باز
 این‌جا کیست؟ اگر تو به آن
 شعور ربّانی رسیدی که گفتی
 او هست، و بقیه خواب و خیال
 و هیچ است، فقط اوست. لذا
 ۱۳ آیه ۱۵۶ سوره مبارکه بقره

این چی؟ «وإنا لله» این طرف
 ماجرا است، سمت دیگرش
 چیست؟ «وإنا إليه راجعون»
 می‌گوید که من در افق پیش
 روی زندگی‌ام هم این‌گونه
 هستم، دوباره من هستم و
 او می‌گوید: «وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا
 فُرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ
 مَرَّةٍ..»^{۱۱} می‌گوید اول چگونه
 تو را خلق کرده بودم؟ فقط
 خودت بودی، حالا هم بین
 تک و تنها آمدی پیش خودم.
 چه کسی با تو هست؟ هیچ
 کس، «تَقَطَّعَتْ بِهَمِّ الْأَسْبَابِ»^{۱۲}.

«تقوا» یعنی خویشتن‌داری، خودنگهداری، خودحفاظتی

حالا خواهش می‌کنم دقت
 کنید یک حرف قشنگی آمد
 به ذهنم، این روزی شب عید
 است. گاهی یک چیزهایی رزق
 است. ببینید چقدر جالب است.

۱۱ آیه ۹۴ سوره مبارکه انعام
 ۱۲ آیه ۱۶۶ سوره مبارکه بقره



حفاظت است، و قایه است. یعنی چی؟ یعنی تو خودت را در ارتباط بندگی با خدای متعال حفظ کنی، این می‌شود تقوا.

فکر نمی‌کنم از این شفاف‌تر و شیرین‌تر و روشن‌تر بشود تقوا را توضیح داد. اگر احیاناً پیدا کردید من به شما جایزه می‌دهم. این قدر شسته و

روفته، تقوا یعنی همین. یعنی من نسبت خودم را با خدای متعال که عبارت باشد از نسبت بندگی و عبودیت، این عبد بودن را حفاظت کنم.

آن جایی که تو داری یک نگاهی می‌کنی که او نمی‌پسندد یعنی عبد نیستی، یعنی خراب شد. آن جایی که داری یک چیزی را گوش می‌کنی که او نمی‌پسندد یعنی دیگر عبد نشد. یک تصمیمی را داری می‌گیری که او نمی‌پسندد،

یک قضاوتی داری می‌کنی که او نمی‌پسندد، یک حرفی

«هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ...»^{۱۴} اگر آن اول را که فقط تو هستی و او، و آن آخر را که فقط تو هستی و او، این جا در زندگی‌ات به کار گرفتی که فقط تو شدی و او، یعنی فقط او را رعایت کردی، این می‌شود تقوا. کل بحث تقوا همین یک کلمه است.

تقوا در قرآن در این یک کلمه است «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ»^{۱۵} همین. تقوا یعنی این که من نسبت خودم را در عبد بودن با او که ربِّ من است، صاحب اختیار من است، خالق من است، مالک من است، سازنده من است و البته دوستدار من است، نسبت خودم را در مقام بندگی با او صیانت و حفاظت کنم، حفاظت رابطه و بندگی با خدای متعال می‌شود تقوا، تقوا اصلاً به معنای

۱۴ آیه ۳ سوره مبارکه حدید

۱۵ آیه ۴ سوره مبارکه حدید

هست که می‌خواهد بین ما و خدای متعال قرار بگیرد، حائل بشود. یا یک عبارت دیگر؛ عوامل دیگری هست که می‌خواهد بین ما و رضای خدای متعال فاصله بیندازد. هم عوامل درونی داریم هم عوامل بیرونی داریم. درست مثل این جاذبه‌ها، دیدید جاذبه را می‌کشد، این می‌خواهد از آن جایگاهی که هست خارجش کند، میل پیدا کند. خلاصه و عصاره کلمه صراط مستقیم که شما دائم در نمازتان تکرار می‌کنید، می‌شود تقوا. «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»^{۱۷} یعنی چی؟ یعنی همین صراط بندگی، یعنی تقوا، یعنی من در همه زندگی‌ام، من را در جاده بندگی خودت نگه دار. این طرفش دره هولناک است، محیط آن پر از شیاطین است. شیطان در قرآن کریم آن قسمی

را می‌زنی که او نمی‌پسندد، یک سکوتی می‌کنی که او نمی‌پسندد، یک قدمی برمی‌داری که او نمی‌پسندد، یک قلمی می‌زنی که او نمی‌پسندد یعنی از بندگی فاصله گرفتی. معنایش این است. پس کل زندگی انسان عاقل برمی‌گردد به ایمان و کل ایمان شما را دعوت می‌کند به تقوا، در واقع تقوا این است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ»^{۱۶} همین دو کلمه. همه عقل و معرفت می‌گوید ایمان به خدای متعال و همه ایمان شما را دعوت می‌کند به تقوا. یعنی رابطه بندگی خودت را با خدای متعال حفظ کنی. آن وقت چرا از کلمه تقوا استفاده شده؟ چرا رفته در باب وقایه که حفاظت است؟ چرا از این کلیدواژه استفاده شده؟ سرّ آن چیست؟ سرّش این است که عوامل باطنی و ظاهری فراوانی

این وسط با تکیه بر ایمان به خدای متعال باید همت بورزم خودم را روی این جاده حفظ کنم، این می‌شود تقوا و خودت هم باید خودت را حفظ کنی. لذا بعضی‌ها تقوا را از کلیدواژه خویشتن‌بانی استفاده می‌کنند. واژه قشنگی است؛ خویشتن‌داری، خودنگهداری، خودحفاظتی.

هنر فرزند آدم تقوا است

همه مسئله‌ی حفاظت است، باید خودت را حفظ کنی. به محض این که غافل بشوی یا افتادی این طرف یا افتادی آن طرف، یا افتادی درون چاله یا افتادی درون چاه. غفلت کنی افتادی، چون محیط یک چنین محیطی است و هنر فرزند آدم تقوا است. یعنی بتواند با تکیه بر ایمان به خدای متعال خودش را وسط این کشمکش‌ها و دعوت‌ها حفظ کند.

که خورده گفته «لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ»^{۱۸} گفته من سر راه مستقیم تو می‌نشینم برای این‌ها. «لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ» تعبیر دقیق‌تر این است؛ یعنی من در کمین آن‌ها هستم، در کمین بندگان هستم، این‌ها را از راه مستقیم خارج‌شان می‌کنم. وسط این جاذبه‌ها و کشش‌های درونی که مبدأ آن نَفْسِ اِمَارَه هست «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي..»^{۱۹} و محیط بیرونی ما که انواع و اقسام شیاطین هستند؛ جنی و انسی و آن‌ها می‌خواهند ما را از این صراط خارج کنند و رابطه بندگی ما با خدای متعال را می‌خواهند خراب کنند و اگر این را خراب کنند ما دیگر خراب شدیم، ما دیگر به درد نمی‌خوریم، ما می‌رویم جزو قاذورات و جزو ضایعات این عالم. من

۱۸ آیه ۱۶ سوره مبارکه اعراف

۱۹ آیه ۵۳ سوره مبارکه یوسف

تقوا، بهترین توشه برای آخرت

فرمود بین شما و عالم بعدی فقط یک پرده است، چیز خاصی نیست، این پرده را کنار می‌زنند. مرگ چیست؟ مرگ کنار رفتن این پرده است. یک پرده است بین ما و آخرت که حالا با برزخ شروع می‌شود تا قیامت هم امتداد دارد. این پرده با مرگ می‌رود کنار «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ...»^{۲۱} یک سکره‌ای هم هست، یک فشاری دارد، می‌آید، خیلی زود «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ» ما را می‌گیرد. «ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ»^{۲۲} این همان است که از آن فاصله می‌گرفتی، می‌خواستی مدام فرار کنی، آمد. آن جا از یک کلمه استفاده شده؛ فرمود «فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ»^{۲۳} بسم

۲۱ آیه ۱۹ سوره مبارکه ق

۲۲ همان

۲۳ آیه ۲۲ سوره مبارکه ق

ببینید دو صدا هست؛ یکی خدای متعال است که شما را دارد دعوت می‌کند، مستقیم، الهامی، از طریق انبیاء، اولیاء، این صدای خداست که در گوش عالم می‌پیچد و اگر آدمیزاد اجازه بدهد صدای خدا است که در عالم به گوش او خواهد رسید، عالم پر است از دعوت خدای متعال، خدای متعالی که دارد دعوت می‌کند. طرف دیگرش چیست؟ طرف دیگرش هم در یک کلمه دعوت شیاطین است. این صداهای متکثری است که آن‌ها هم دارند شما را دعوت می‌کنند. اگر تو خودت را با دعوت الهی هماهنگ کردی و او را در جریان عمومی زندگی‌ات حفاظت کردی اسم این می‌شود تقوا و اگر کسی به تقوا رسید به همه چیز رسیده است «وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى»^{۲۰}.

۲۰ آیه ۱۹۷ سوره مبارکه بقره

می‌شوید به محیطی که پر از آتش است. همه‌تان وارد می‌شوید اما فقط با تقواها خارج می‌شوند. یعنی آن کسی که در این دنیا توانست وسط آتش گناه، آتش شهوت، آتش خشم، آتش ظلم، آتش بخل، آتش حسد، آتش کبر، آتش عجب، آن کسی که وسط آتش انواع و اقسام محرمات توانست خودش را حفاظت کند و به سلامت عبور کند آن جا هم به سلامت عبور خواهد کرد.

در ماجرای حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) خدای متعال فرمود «یا نارِ کونی برِداً و سَلاماً علی اِبراهیم»^{۲۶} ای آتش برای ابراهیم آرام باش، خنک باش، گلستان باش. ظاهرش آتش است ولی باطنش بُرد و سلام است. خیلی تعبیر قشنگی است، «بردا و سلاماً علی ابراهیم». آن کسی که ابراهیم‌وار

الله، ما آن پرده را کنار زدیم، حالا خوب نگاه کن. فرمود شما از این زیست موقتی‌تان برای آن زیست ابدی‌تان و حیات جاودانی‌تان اگر خواستید توشه‌ای ببرید چه توشه‌ای بهتر از تقوا است «و تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى»^{۲۴} فرمود آن طرف که آمدید، از این پرده که عبور کردید وارد عالم بعدی که شدید، هر کدام از شما به اندازه آن تقوایی که فراهم کرده؛ تقوا یعنی آن ایمان متجسّد، ایمان به حقیقت رسیده، نه ایمان ادعایی، بلکه ایمان حقیقی. به اندازه‌ای که از این تقوا با خودت آن طرف آوردی آن جا سیر داری، عبور داری.

بعد آن آیه سوره مریم (سلام‌الله‌علیها) است، فرمود: «وَ إِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَاْرِدُهَا كَانَ عَلَی رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِیًّا»^{۲۵} همه شما وارد

۲۴ آیه ۱۹۷ سوره مبارکه بقره
۲۵ آیه ۷۱ سوره مبارکه مریم

در این عالم به تقوا است. لذا این حرف‌هایی که در این دنیا می‌زنند تمام آن کشک است.

ما جبهه بودیم یک وقتی داشتیم می‌رفتیم سمت خط، یک دوستی کنار من نشسته بود، گفت حاجی دستت را بیاور، چشمت را ببند، گفتم باشد. من دستم را آوردم باز کردم، یک چیزی گذاشت در دست من گفت مشتت را ببند، بستم. گفت آقا من کل دنیا را گذاشتم در دست شما. خلاصه من دستم را باز کردم دیدم یک کشک است. گفت «الدنيا كلها كشك»، گفت دنیا کشک است داداش من، گذاشتم در دستت. حکمت‌آمیز بود.

می‌گویند آقا فلانی چقدر زرننگ است، خب زرننگی‌اش چی بود؟ این معامله را این جوری کرد، دو روزه توانست به فلان جا دست پیدا کند، فلان چیز را خرید، آن را

در دنیا زندگی کرده باشد جهنم برای او بُرد و سلام است. وارد می‌شود ولی هرچه هست، می‌گوید من که این جا آتشی ندیدم، این به سلامت عبور می‌کند. تقوا این است.

زرنگی در این عالم به تقواست

کل بحث تقوا روی این توضیحی که عرض کردم می‌گذرد. فشار مسئله به چه بخشی از ماجرا است؟ به مسئله حفاظت است. چون سارق هست، آفت هست، یک گوه‌ری در وجود شما وجود دارد که سارق‌ها دنبال آن هستند که آن را بدزدند، یعنی در واقع دنبال آن هستند که خودت را بدزدند، اسیرت کنند. از همه طرف این آفت‌ها هست، ظاهری و باطنی. حالا تو وسط همه این‌ها، به میزان خویشتن‌بانی و خودمراقبتی است که شما به سعادت می‌رسید. زرنگی

از این احمق تر خودش است. زرنگ در فرهنگ الهی همان عین عقل و خرد ناب است. زرنگ‌ترین زرنگ‌ها آن کسی است که فرمان خداوند را در زندگی خودش رعایت کرده باشد، امر الهی را رعایت کرده باشد، نهی الهی را رعایت کرده باشد. این از همه زرنگ‌تر است.

یک کلیدواژه در قرآن کریم هست این خیلی قشنگ است، روی این فکر کنید. یکی پس آن زاد است که فرمود «و تزودوا» همه‌تان دنبال توشه باشید «فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى»^{۲۷}. «وَالأَ مَالُ، ثروت، زیبایی، جاهت، لذت، امکانات، اعتبار، همان کُلّها کشکی است که به شما گفتم. خب این خانمی را که خودش را صد مدل آرایش می‌کند، قیافه‌اش را آن طوری می‌کند، موهایش را مثلاً این جور درست می‌کند، از این شرایطی هم که

گران‌تر فروخت، این را ارزان خرید، خیلی زرنگ است، او آخرش است. و توهم حسرت می‌خوری که عجب! من به او حسودی‌ام شد. یک دفعه یک زد و بندی کرد فلان منصب را گرفت، فلان شغل را به دست آورد، فلان اعتبار را به دست آورد، این چقدر آدم زرنگی بود. الان در دنیا شما بگویید زرنگ کیست، این چیزها است دیگر. پرده کنار برود این‌ها همه‌اش حماقت است نه زرنگی. اگر طرف از راه غیرخدایی رفته باشد اسمش زرنگی نیست، اسمش حماقت است. این احمق الحمقاء است که از طریق غیرشرعی به یک مثلاً ثروتی رسیده. از این احمق‌تر خودش است. اصلاً از این آدم نادان‌تر و احمق‌تر در این عالم پیدا نمی‌شود. کسی که از یک طریق غیرخدایی مثلاً به یک ثروتی، به یک مالی، به یک مقامی، به یک لذتی برسد

یُواری سَوَاتِكُمْ وَ رِيشًا...»^{۲۹}
 ما در این دنیا برای شما لباس
 نازل کردیم که با این بتوانید
 آن وجوه حیوانی بدن خودتان
 را بپوشانید. «یُواری سَوَاتِكُمْ»،
 همان وقتی که بابا و ننه ما
 بعد از این که آن ارتکاب را
 پیدا کردند مجازات‌شان چه
 بود؟ مجازات‌شان این بود که
 این‌ها یک دفعه این بخش‌های
 بدن‌شان که کراهت دارد دیگران
 ببینند، این یک دفعه آشکار شد.
 این‌ها هم چون فطرت‌شان
 فطرت سالمی بود شروع کردند
 سریع دویندند از این برگ‌های
 درخت‌ها و این‌ها گرفتند
 شروع کردند دور خودشان
 پیچیدند تا خودشان را محفوظ
 کنند. فرمود ما در این دنیا
 برای شما لباس نازل کردیم
 تا بتوانید با این‌ها خودتان را
 بپوشانید. بشر به کجا می‌رسد
 که این بخش‌هایی از بدنش
 را که نباید دیگران ببینند، که

۲۹ آیه ۲۶ سوره مبارکه اعراف

پیش آمده سوء استفاده می‌کند.
 مثلاً لباس آن چنانی می‌پوشد،
 کلی جلوی فلان خودش را
 بزرگ می‌کند می‌آید مثلاً در
 خیابان، خب بعدش چی؟
 بعدش تبدیل می‌شود به یک
 پیرزن قوزی کچل با یک
 قیافه چروکی که اصلاً دیگر
 نمی‌شود به او نگاه کرد. اگر
 تازه به آن جا برسد. اگر هم
 که نرسید با یک تکه کفن
 او را می‌پیچانند و می‌گذارند
 آن زیر، تمام شد و رفت. تو
 با کی داری معامله می‌کنی؟
 طرف تو کیست؟ «وَ تَزَوَّدُوا
 فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى»^{۲۸}.

تقوا از منظر قرآن کریم

آن وقت تقوا چیست؟ قرآن به
 شما می‌گوید، فرمود ما برای
 شما انواع و اقسام زینت‌ها را
 در این دنیا فرستادیم، «یا بَنِي
 آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا

۲۸ آیه ۱۹۷ سوره مبارکه بقره

**خَيْرَ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ
 يَذَكَّرُونَ»**^{۳۴} این از آیات الهی
 است، نشانه‌های خدا است.
«لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ» برای این که
 آن‌ها متوجه بشوند، متذکر
 بشوند که شما اگر خواستید
 آن بخش‌های ناپسند حیوانیت
 وجود خودتان را بپوشانید با
 لباس تقوا می‌شود بپوشانید. و آلا
 یک قیافه‌ای آن طرف می‌آید
 که هم خودت از خودت حالت
 به هم می‌خورد، هم تمام
 کسانی که در آن عالم هستند
 اگر تو را ببینند حالشان بد
 می‌شود. آن «سَوَات» را چه
 کار می‌شود کرد؟ فقط لباس
 تقوا می‌تواند بپوشاند. «وَلِبَاسُ
 التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ»^{۳۵} می‌گوید از
 این لباس ظاهری استفاده کنید،
 این نعمت خدا است، اشکالات
 ظاهری‌تان را که دوست ندارید
 کسی ببیند بپوشانید. «و لِبَاسِ
 التَّقْوَى» اما هنر‌تان این باشد

اگر دیگران ببینند فطرش آزرده
 می‌شود، چقدر از فطرت خارج
 می‌شود که دنبال این است
 که دیگران ببینند؟ این حالا
 خودش یک قصه‌ای است. یعنی
 واقعاً خروج از فطرت است.

من برای شما چند تعبیر
 دارم، «قد انزلنا» یکی از
 نعمت‌هایی که من برای شما
 فرستادم «عَلَيْكُمْ لِبَاساً يُوَارِي
 سَوَاتِكُمْ»^{۳۰} با این لباس
 شما می‌توانید آن بخش‌ها
 را بپوشانید. حالا تا این جا
 داشته باشید، این یک قسمت
 ماجرا است، بعد می‌گوید «و
 لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ»^{۳۱}،
 آن جا فرمود «فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ
 التَّقْوَى»^{۳۲}، این جا می‌گوید «و
 لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ»^{۳۳} اما
 لباس تقوا، لباس تقوا آن که
 دیگر خیلی بهتر است، «ذَلِكَ

۳۰ همان

۳۱ همان

۳۲ آیه ۱۹۷ سوره مبارکه بقره

۳۳ آیه ۲۶ سوره مبارکه اعراف

۳۴ همان

۳۵ همان

می‌کند، به همین خاطر هم خدای متعال زن و شوهر را لباس همدیگر می‌داند. این هم تعبیر قشنگی است. این که ازدواج می‌کنند می‌گوید «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ...»^{۳۷} خانم‌ها لباس آقایان هستند، یعنی همسرشان، آقا هم لباس خانمش است. یعنی چی؟ یعنی جمال هم هستند، هم حافظ هم هستند، هم نگهدار هستند. در ازدواج همه چیز هست. چقدر ازدواج نعمت بزرگی است. امیدواریم ان شاءالله خدای متعال به حق امام عسگری (علیه‌الصلوة والسلام) این نعمت بسیار بزرگ را روزی ما قرار بدهد.

جلوه‌های تقوا

از نظر امام عسگری (علیه‌السلام) زرنگ‌ترین زرنگ‌ها کیست؟ «كَيْسُ الْكَيْسِيِّنَ مَنْ حَاسَبَ

تا وقتی فرصت دارید در این دنیا برای خودتان لباس تقوا تهیه کنید. آن خیلی بهتر و برتر است. بعد هم فرمود «ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ»^{۳۶}، این می‌شود تقوا. «لباس التقوی ذلک...» این جا از آن به لباس تعبیر شد. این‌ها آن زیبایی‌های قرآن است. هرچه که تقوا بخورد به باطن شما، به قلب شما، به فکر شما، چون آن روزی هست که تبلی السرائر می‌شود، همه حقیقت و جودی شما می‌ریزد بیرون و آشکار می‌شود، هرچه که این تقوا به هر جایی از شخصیت شما رسیده باشد آن جا را زینت می‌کند. چون انسان با لباسش زینت پیدا می‌کند، عیب‌های او مستور می‌شود، علاوه بر این زیبایی هم دارد، علاوه بر این صیانت هم دارد. لباس خیلی کارها

آیه ۱۸۷ سوره مبارکه بقره

۳۷

آیه ۲۶ سوره مبارکه اعراف

۳۶

البته این حدیث نورانی ادامه دارد می‌گوید: «وَ الْإِجْتِهَادِ لِلَّهِ» هرچه می‌توانید در این دنیا برای خدا کار کنید، مجاهدت کنید. «وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ» جلوه‌های تقوا این چیزها است. «صِدْقِ الْحَدِيثِ» راستگویی، «وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ» امانتداری حتی اگر یک آدم فاجری هم چیزی را به شما امانت سپرد، حق امانت را رعایت کنید. «وَ طُولِ السُّجُودِ» سجده‌های طولانی، «وَ حُسْنِ الْجَوَارِ» با سایر مردم همسایه خوبی باشید. فرمود: «فَبِهَذَا جَاءَ مُحَمَّدٌ ص»، بعد فرمود کسی از شما «إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ» وقتی که اهل ورع باشد و در سخن‌اش راست بگوید، اهل امانت باشد، امانت را رعایت کند و خُلق‌اش را هم زیبا کند «وَ حَسَنَ خُلُقِهِ مَعَ النَّاسِ» حُسن خلق با مردم داشته باشد «قِيلَ هَذَا شِيعِي [جَعْفَرِي]» می‌گوید این شیعه است. بعد

نَفْسَهُ، وَ عَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، وَ إِنَّ أَحْمَقَ الْحَمَقِي مَنْ اتَّبَعَ نَفْسَهُ هَوَاهَا، وَ تَمَنَّى عَلَى اللَّهِ تَعَالَى الْأَمَانِي»^{۳۸} فرمود از همه زنگ‌ها زنگ‌تر «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ» آن کسی است که نفس خودش را محاسبه کند «وَ عَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ» و کارهایش را برای بعد از مرگ آماده کند. عمل کند، عملی که بعد از مرگ به او سود ببخشد. این از همه زنگ‌تر است.

روایت دوم هم فرمود: «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ»^{۳۹} من وصیتم به شما این است که تقوای الهی را رعایت کنید و در دین‌تان ورع داشته باشید. ورع در دین یعنی این که انسان آن بخش‌هایی را که خدای متعال به عنوان قرق معین کرده و نهی کرده به آن جاها نزدیک نشود.

^{۳۸} التفسیر المنسوب إلى الامام

العسكري: ۳۸؛ عنه البحار: ۶۷ / ۶۹ ح ۱۶

^{۳۹} بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۷۲

که رکورد زد، می‌گویند نصاب را جابجا کرد. واقعاً هیچ اسمی نمی‌شود برای آن پیدا کرد. نصاب را جابجا کرد و برای خودشان چه رسوایی درست کردند و دارند هم ادامه می‌دهند که دیگر پیش همه خلق عالم حقیقت شرک، حقیقت کفر، این‌ها کاملاً بی‌پرده معرفی بشود، و این چنین دارد معرفی می‌شود. ان شاءالله این‌ها برای ظهور زمینه‌سازی می‌کند. این خون مظلوم، این ناله‌ها، این ضجه‌ها؛ در واقع این‌ها دارد چه کسی را صدا می‌زند؟ خدای متعال را. آن بچه را دیدید می‌گوید یا رب، رفته وسط این خاک‌ها نشسته می‌گوید یا رب. خدا را صدا می‌کند. این‌ها دارند چه کسی را صدا می‌کنند؟ امام زمان را دارند، به کمک خودشان می‌خوانند، چه بدانند چه ندانند، کمک می‌خواهند از خدای متعال. ما

امام عسگری (علیه‌السلام) فرمودند
 مِنْ كَيْفِ مِي كِنَمْ، مِنْ خَوْشِحَالِ
 مِي شَوْم «فَيْسُرُنِي ذَلِك».
 امیدواریم ان شاءالله خدای
 متعال توفیق یک چنین زندگی
 را که با تقوای الهی مزین
 هست به همه ما روزی کند.

غزه؛ صدای مقاومت و مظلومیت

ما وجود اقدس امام عسگری
 (علیه‌الصلوة‌والسلام) را در پیشگاه خدای
 متعال شفیع قرار می‌دهیم،
 اضطرار این مظلوم‌ها، این
 کودکان مظلوم، این زنان
 مظلوم که دیگر می‌بینید
 غیرقابل تحمل شده، یعنی
 اصلاً تصورش واقعاً کام انسان
 را تلخ می‌کند، چیزهایی
 که تلویزیون نشان می‌دهد
 تازه یک گوشه‌ای است از آن
 اتفاقاتی که این شب‌ها و روزها
 دارد می‌افتد، مثلاً آن ماجرای
 بیمارستان که دیگر نصاب
 سبعت را جابجا کرد. می‌گویند

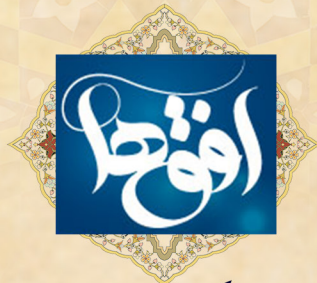
مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ
 تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَاءَ الْمُؤْمِنِينَ وَ
 الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغَنَاءِ وَالْتِرْوَةِ وَ عَلَيَّ
 مَرَضِي الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ
 بِالشِّفَاءِ وَ الصَّحَّةِ وَ عَلَيَّ
 أَحْيَاءَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ
 بِاللِّطْفِ وَ الْكِرَمِ وَ عَلَيَّ
 أَمْوَاتَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ
 بِالْمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلَيَّ
 غُرَبَاءَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ
 بِالرَّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ
 غَانِمِينَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ.
 «اللهم صل على محمد و آل محمد»

هم یک پنج باری این آیه
 «أَمِنْ يَجِيبُ» را برای نجات،
 برای کمک، برای فریادرسی این
 انسان‌ها مقاوم؛ چقدر مقاوم
 هستند، چه خوب ایستادند.
 شما از غزه فقط شما صدای
 مقاومت و صدای مظلومیت
 می‌شنوید، اصلاً از آن جا صدای
 شکستن، صدای اسارت، صدای
 ذلت نمی‌شنوید. عجب ملتی
 هستند این‌ها، چقدر مقاوم، به
 برکت ایمان چه مقاومتی دارند.
 الحمدلله. لذا ما هم همراهی
 کنیم با دعای مان این روزها
 مخصوصاً خیلی دعا را داشته
 باشید و کمک‌خواهی طلب کنید.

«اللهم صلی علی محمد و آل
 محمد». اعوذ بالله من الشیطان
 الرجیم « أَمِنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ
 إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ »^۴ یا
 مجیب المضطر اجب المضطر
 و نحن المضطرون الی ولیک.

إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَاجَاكَ وَ بِحَقِّ

۴۰ آیه ۶۲ سوره مبارکه نمل



افوغها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰
(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر